

جایگاه تأویل در روایات تفسیری امام سجاد ۷

منصور پهلوان^{۱۷}

معصومه آگاهی^{۱۸}

چکیده : بخش قابل توجهی از روایات تفسیری راکه از امام سجاد ۷ بر جای مانده، تأویل آیات و ارائه مصادیق آنها تشکیل می‌دهد. این روایات نقش تعیین‌کننده‌ای در بازسازی عقاید جامعه پس از شهادت سید الشهداء ۷ دارد، در این گفتار، فزونی روایات تأویلی و تعیین مصادیق آیات، بر پایه مخاطب و فضای صدور روایات تحلیل شده است. نگارنده، نمونه‌هایی از موضوع‌های این روایات را بدین‌سان برمی‌شمارد: بازسازی بنیان تفکر ولایت‌مدار، ترسیم محورهای تفکر مهدوی، تعیین مصادیق آیات. کلید واژه : امام سجاد ۷ / تفسیر ماثور / تأویل / مصداق / مهدویت در قرآن / امامت در قرآن.

17. ÇÓÊĬİ ĬçäÔ Çâ ÊâÑÇä. Email : Pahlevan@ut.ac.ir

18. ĬçäÔ\æi ßÇÑÔäÇÓì ÇÑÔİ Úáæã ÞÑÄä æ İİĬ. Email : Magahi52@gmail.com

طرح مسأله

روش‌شناسی روایات تفسیری اهل بیت:، ما را به این نکته رهنمون می‌شود که معصومان: در تفسیر آیات الهی، اصول و مبانی مشترکی دارند. این نکته با در نظر گرفتن این حقیقت که ایشان در عین تعدد، نور واحدند، دور از انتظار نیست. اما از سوی دیگر، تفسیر هر یک از معصومان:، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از تفاسیر دیگر متمایز می‌کند. این ویژگی‌ها بستگی تام و تمامی با پارامترهای زمانی، مکانی و مخاطبان معصوم: دارد که با ترسیم این عوامل می‌توان به تحلیل صحیحی از شاخصه‌های تفسیر معصومان: دست یافت.

در بررسی روایات تفسیری امام سجاد ۷- که در سایه ادعیه صحیفه و کتاب زهد و حقوق ایشان مهجور مانده است - با دو ویژگی مهم مواجه می‌شویم: نخست این که حدود نیمی از روایات تفسیری امام سجاد ۷ را تأویل و ارائه معنای باطنی آیات تشکیل می‌دهد، و دیگر این که امام ۷ در موارد بسیاری در تفسیر آیات، مصادیق آنها را تعیین کرده است. این نوشتار از طریق بررسی فضایی صدور روایات از جهت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و نوع مخاطبان امام سجاد ۷ به تحلیل دو ویژگی مذکور می‌پردازد.

اوضاع سیاسی دوران امام سجاد ۷

امام سجاد ۷ در سال ۳۸ هجری قمری، در زمان خلافت جدش امیر مومنان ۷ چشم به جهان گشود. در این زمان، علاوه بر جنگ صفین که صورت علنی مبارزه میان علی ۷ و معاویه است، تنور مخالفت‌ها و مبارزات فرهنگی میان این دو جبهه داغ بود. پس از شهادت امام علی ۷، مسلمانان به جای بیعت با حسن بن علی ۷، با معاویه، به عنوان خلیفه پیامبر بیعت کردند. تهدید و تطمیع‌های معاویه سبب شد که امام حسن ۷ تنها بماند و ناگزیر به امضای صلح‌نامه شود. پس از این قرارداد، حسنین ۸ به همراه عیال و فرزندان خویش، از جمله امام سجاد ۷، به مدینه

بازگشتند. در سال‌های جوانی امام سجاد ۷، معاویه خلیفه بود. او در دوران خلیفه دوم به حکومت شام منصوب و بسیار مورد عنایت و نوازش خلیفه واقع شد. (شریف قرشی، ج ۲، ص ۳۳۸) معاویه از هر وسیله‌ای برای خاموش کردن نور آل محمد ۹ و فاصله انداختن میان آنها و امت استفاده کرد چنانکه از عمل به سنت پیامبر نهی کرد و اول کسی بود که بر منابر سبّ علی ۷ نمود. او چنان بر دوست‌داران اهل بیت: سخت گرفت که اگر به کسی لقب «زندیق» می‌دادند، بهتر از آن بود که او را «دوست‌دار آل محمد ۹» بنامند (همان، ج ۲، ص ۳۴۰). در دوران معاویه سخت‌ترین فعالیت‌ها علیه اهل بیت: شیعه، موالی و ایرانیان صورت گرفت که در نهایت به شهادت امام حسن ۷ انجامید و این شدت و سختی، ۲۰ سال یعنی تا زمان مرگ معاویه ادامه داشت (نک: عماد زاده، ص ۶۸۹). پس از مرگ معاویه، فرزندش یزید بر تخت حکومت و خلافت پیامبر ۹ تکیه زد. یزید آشکارا معصیت می‌کرد و حکم خدا را به آسانی نادیده می‌گرفت. او بسیار تلاش کرد که از امام حسین ۷ و بنی‌هاشم برای خود بیعت بگیرد و به این ترتیب مهر تأییدی بر عملکرد سیاه خود بگذارد. اما هنگامی که در این کار توفیقی نیافت، چاره را در کشتن فرزند رسول خدا ۹ دید. وی در دوران کوتاه حکومت خویش که سه سال و اندکی به طول انجامید، سه برنامه اصلی را اجرا کرد که هر یک از آنها در تاریخ اسلام بی‌نظیر است: سال اول شهادت سید الشهداء ۷ و خاندان و یاران او؛ در سال دوم، قتل عام مردم مدینه و مباح شمردن خون، مال و ناموس مسلمانان بر لشکریانش (الدمشقی، ج ۸، صص ۲۴۱-۲۴۲)، و در سال سوم، حمله به بیت الله الحرام و به منجنیق بستن حرم امن الاهی (همان، ج ۶، ص ۲۴۲). یزید اندکی پس از این هتک حرمت، به هلاکت رسید و فرزندش معاویه بن یزید بر جای او نشست. معاویه از حکومت و خلافت کراهت داشت. لذا به محض رسیدن به خلافت در جمع مسئولین حکومتی خطبه‌ای خواند؛ بیعت خویش را از گردن مردم برداشت و تعیین

خلیفه را به مردم سپرد (نک: شریف قرشی، ۲، ۳۴۴). پس از کناره‌گیری معاویه دوم از خلافت، سران حکومت به سرعت با مروان بن حکم به عنوان اولین خلیفه مروانی بیعت کردند (نک: شریف قرشی، ج ۲، ص ۳۴۷). در ایام حکومت مروان، لعن امیرالمومنین بر منابر علنی شد. وقتی که امام زین العابدین ۷ از او پرسید: «چرا بر منابر سبّ علی می کنید؟»، مروان گفت: «زیرا کار ما جز به این صورت سامان نمی‌یابد.» (شریف قرشی، ج ۲، ص ۳۴۸) پس از مروان، عبدالملک که از جباران بنی‌امیه بود، بر تخت نشست. وی کتاب خدا را در دست گرفت و گفت: «هذا فراق بینی و بینک.» (ابن کثیر، ج ۹، ص ۷۷)

پس از عبدالملک فرزند او ولید که فردی جبار و ستمگر بود و به سنت اموی عمل می‌کرد، به خلافت رسید. او آخرین خلیفه اموی معاصر امام سجاد ۷، و دشمن‌ترین افراد به امام بود؛ به گونه‌ای که اعتراف کرد ملک و سلطنتش با وجود امام ۷ کامل نمی‌شود (شریف قرشی، ج ۲، ص ۳۶۳). به این ترتیب خشونت، ظلم و جور مشخصه اصلی حکومت اموی بود؛ آن‌چنان که انتقال قدرت از خلیفه‌ای به خلیفه دیگر، هرگز فشار بر اهل بیت و شیعیان یا محبان آنها را کاهش نمی‌داد.

اوضاع فرهنگی - اجتماعی جامعه اسلامی در عصر امام سجاد ۷

طبیعت حکومت اموی، استبداد و جبروت حکام و ملوک آن بود. در دوران امویان، قواعد عدل سیاسی و اجتماعی زیر پا گذاشته شد؛ آزادی اجتماعی از میان رفت و قوانین اسلام لگدمال شد؛ ظلم و ستم فراگیر، و سیاست تفرقه و اختلاف‌افکنی بین مسلمانان در پیش گرفته شد (شریف قرشی، ج ۲، صص ۳۷۲-۳۷۵) بنی‌امیه سه مرتبه مدینه را غارت کرده، اموال مسلمانان را مباح کردند. به دلیل وقوع این جنگ‌های داخلی از یک طرف، و رفاه‌زدگی و تجمل‌پرستی خلفا از سوی دیگر، وضع اقتصادی مردم مدینه بسیار نامناسب بود. در این دوران مردم به جاهلیت و اعقاب خود باز گشتند. شهر پیامبر ۹ مدینه

النبي - به مركزي براي لهو و لعب تبديل شد، آن چنانكه آوازه خواني، رقاصي، مجالس مختلط زن و مرد، مجلس شراب و مراكز آموزش غنا رواج پيدا كرد (نك: شريف قرشي، ج ۲، صص ۴۰۷-۴۱۲). شعر در اين زمان قبيله اي است؛ موضوع اصلي آن شجاعت، زيادي مال و نفر و هر آن چيزي است كه به آن افتخار مي كردند و واژه اي در قاموس سبّ و شتم نماند مگر آن كه به نظم درآمد. در حقيقت، جاهليت اولي كه اسلام با آن مبارزه كرده بود، در ايام حكومت اموي تمام چهره، رخ نمود (نك: شريف قرشي، ج ۲، صص ۴۱۵-۴۱۷). گرچه مدینه، «دارالسنه» نام گرفته بود، مردم در اين زمان بيشتر متأثر از ارزش هاي خلافت بودند تا سنت پيامبر ۹ و امامان شيعه. پس از واقعه حرّه چنان حقارتي بر مردم مدینه تحميل كردند كه ناچار شدند به عنوان «برده يزید» با فرمانده نظامي او بيعت كنند (ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۲۵۹). مسجد النبي ۹ كه روزي پايگاه پيامبر ۹ و مقرّ حكومت ايشان بود، به محليّ براي چهارپايان تبديل شده بود؛ ستوران را به ستون هاي مسجد مي بستند و چنانچه كسي قصد زيارت مزار پيامبر ۹ را داشت، او را با خنجر منع و تهديد مي كردند (مجلسي، ص ۱۱؛ عمادزاده، ص ۷۵۳).

موقعيت امام سجاد ۷ در مدینه

علي رغم شرايط نامساعد و اوضاع نابساماني كه در مدینه وجود داشت، امام سجاد ۷، در سراسر حيات خویش، در مدینه ماند و جز براي حجّ و زيارت از آن خارج نشد. مورخان گزارش كرده اند كه ايشان براي زيارت مزار جدّش، علي بن ابی طالب ۷، به عراق سفر كرد و مسلم است كه مزار سيد الشهداء ۷ را نيز زيارت كرده است (شريف قرشي، ج ۱، ص ۱۸۶)، اما اقامت گاه ايشان تا پايان عمر مباركشان، شهر رسول خدا ۹ و مضجع شريف اوست.

دوران حيات امام سجاد ۷ آكنده از سختي، مرارت و تنهائي است. طبق گزارش فضل بن شاذان پس از واقعه كربلا، تنها پنج نفر پيرامون امام ۷ باقي ماندند :

ابوخلد کابلی، یحیی بن ام الطویل، جبیرین مطعم، سعید بن جبیر و سعید بن مسیب (طوسی، اختیار، ج ۱، ص ۳۳۲). سیاست منع نقل حدیث که از زمان خلفا آغاز شده بود، در زمان امام ۷ با شدت بیشتری ادامه یافت. جعل حدیث نیز که به دستور معاویه و در قالب پخش نامه‌های مکرر وی به استاندارانش، به عنوان یک سیاست خصمانه فرهنگی پی‌ریزی و پس از آن دنبال شده بود (ابن ابی‌الحدید، ج ۱۲، صص ۴۶-۴۴)، ضربه دیگری بر پیکره حدیث، و مانعی بر سر راه ارتباط امام ۷ با مردم و انتقال معارف دین و قرآن به ایشان بود. اجرای سیاست منع حدیث و جعل آن باعث شد بسیاری از روایات نبوی، خاصه آنها که در مورد فضایل اهل بیت: وارد شده بود، از مدار نقل خارج شده یا به فراموشی سپرده شود (ابوریه، ص ۵۵).

در این زمان، شرایط مناسبی برای تعامل امام ۷ با مردم وجود نداشت. انهدام و تخریب شأن و جایگاه اهل بیت: که از لحظه رحلت پیامبر ۹ آغاز شده و در طول دوران امیر المومنین ۷ و امام حسن ۷ ادامه یافته بود، با قتل سیدالشهداء ۷ به اوج خود رسید. دعا‌های امام سجاد ۷ که بیشترین حجم روایات ایشان را تشکیل می‌دهد، نشانگر غربت امام سجاد ۷ و عدم حضور مخاطبی است که از دریای بی‌کران علم و معرفت الهی ایشان بهره گیرد. به دلیل همین تنهایی است که حضرت در دوران پر حزن و اندوه حیات خویش سیاست سکوت را در برابر امویان در پیش گرفتند. امام سجاد ۷ هیچ یک از حرکت‌های سیاسی معاصر خویش را تأیید نکردند؛ حتی نهضت‌هایی که ظاهراً به خون‌خواهی سید الشهداء ۷ آغاز شده بود، از جانب ایشان مشروعیت نیافت. امام ۷ با درک صحیح شرایط عصر خویش که بر پایه علم الهی ایشان استوار بود، به خوبی از ناکارآمدی روش مبارزه فیزیکی آگاه بودند. لذا نه خود به این کار مبادرت کرد و نه به کسانی که خواستار تجویز چنین تحرکاتی بودند، اجازه آن را داد. از رویارویی و گفت و گوی امام سجاد ۷ با خلفا و حکام عصر خویش، جز دو خطبه‌ای که در

مسجد کوفه و مجلس یزید ایراد شده، گزارشی در دست نیست (نک: طبری، ج ۴، ص ۳۵۵؛ ابن کثیر، ج ۸، ص ۲۱۱). پس از ماجرای انهدام کعبه نیز، واکنش امام سجاد ۷ اقدام به تعمیر و مرمت کعبه و نصب حجر الاسود است (ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۹۷؛ مسعودی، ج ۲، ص ۷۴). متقابلاً خلفای اموی، از یزید تا ولید بن مروان، همه، در ظاهر ایشان را احترام کرده، از فرامین تهدید و تعذیب مردم مستثنی می‌کردند (عمادزاده، ص ۷۳۶).

جایگاه امام سجاد ۷ در تفسیر قرآن

به طور کلی روایات تفسیری رسیده از امام سجاد ۷ از دو جنبه کمی و کیفی قابل بررسی است. از لحاظ کمی، حدوداً دویست و پنجاه روایت تفسیری از منابع گوناگون روایی و تفسیری، اعم از شیعه و اهل سنت، استخراج شده است. این روایات به لحاظ محتوایی، برخی موضوعات علوم قرآنی نظیر اسباب نزول، فضیلت برخی آیات و سوره و قراءات را در بر می‌گیرد.

قسمت عمده این روایات، به تفسیر آیات قرآن اختصاص دارد. یعنی امام سجاد ۷ به طرق گوناگون به تبیین مراد خداوند از آیات پرداخته‌اند؛ همان وظیفه‌ای که بر اساس قرآن، بر عهده پیامبر اسلام ۹ و جانشینان او نهاده شده است.

آنچه در میان حجم به ظاهر اندک روایات تفسیری امام سجاد ۷ رخ می‌نماید، اهتمام ویژه حضرت به بیان مصادیق و تأویل آیات است. امام سجاد ۷ در خلال این تأویلات و مصادیق سعی در ترسیم جایگاه و تبیین شأن و فضیلت اهل بیت: دارند. اگر با دیده تحلیل به این مسأله بنگریم، و فضای خاص سیاسی و اجتماعی دوران حیات امام سجاد ۷ را در نظر بگیریم، در خواهیم یافت که امام ۷ در مقام معماری است که موقعیت اهل بیت: را که از لحظه رحلت پیامبر ۹ در معرض تهدید و تخریب واقع شده و با شهادت سید الشهداء ۷ به طور کلی منهدم شده

بود، بازسازی و ترمیم می‌کند. اهمیت این مطلب تا به آنجاست که اگر نقش امام سجاد^۷ را در این بازسازی حذف کنیم، حضور دو امام بعدی^۸ - و حتی امامان پس از ایشان : - را به عنوان محلّ مراجعه و ملجأ مسلمانان به خصوص شیعیان از دست خواهیم داد و این به معنای از دست دادن بخش عظیمی از معارف و آموزه‌های دینی است که از طریق این بزرگان به جامعه انسانی و مسلمانان ارائه شده است. به عبارت دیگر اگر مردم به هر دلیلی به شأن و مقام امام^۷ در تبیین کتاب‌الله و تربیت نفوس جاهل باشند، حتی با فرض حضور امام^۷ و وجود فضای مناسب برای اقتباس از نور علم و دانش او، این مراجعه و تعامل صورت نخواهد گرفت. لذا در حقیقت می‌توان گفت تمامی تفاسیری که پس از امام سجاد^۷ به واسطه مراجعه مردم به اهل بیت : و خوشه‌چینی از محضر ایشان بر جای مانده و به ما رسیده است، و حتی تأیید و تثبیت موقعیت ائمه پیشین : جهت انتفاع از تعالیم الهی ایشان، همگی مرهون علم، حلم و جهد امام سجاد^۷ در انجام این امر خطیر است.

روایات تأویلی امام سجاد^۷

تقریباً نیمی از روایات تفسیری امام سجاد^۷ را تأویل و ارائه مصادیق آیات تشکیل می‌دهد. غالب این روایات به تبیین شأن و منزلت اهل بیت :، فضیلت ایشان بر سایرین، موقعیت دوست‌داران ایشان و معرفی دشمنانشان پرداخته است. اگر چه برخی نیز به بازسازی چارچوب اعتقادی شیعه در زمینه‌های آخر الزمان، مهدویت و رجعت اختصاص یافته است. نمونه‌هایی از این روایات به تفکیک موضوع عبارتند از:

۱. بازسازی بنیان تفکر ولایت مدار

از آن جا که دوران امام سجاد^۷ از جهت بازگشت مردم به مبانی جاهلیت و فاصله گرفتن از امام^۷ تا به آنجا که به خانه‌نشینی ایشان انجامید، بسیار شبیه دوران

امام علي ۷ است، رویکردهای ایشان به موضوع «ولایت»، «توگی» و «تبری» بسیار همانند است. همان سببی که امام علي ۷ را وا می‌دارد شوون علم و تقوای خود را بستاید و در میدان فضیلت‌ها داد مبارز طلبی سر دهد، امام سجاد ۷ را نیز در جایگاهی قرار می‌دهد که فضایل پدرانش و امتیازات ذریه‌اش: را در قالب تبیین آیات قرآن بیان کند.

۱-۱- تبیین جایگاه امیرالمومنین ۷

مهم‌ترین رکنی که امام سجاد ۷ سعی در تحکیم آن دارد جایگاه امیرالمومنین ۷ در مقام ولایت است. به طور نمونه امام ۷ در تفسیر «ادخلوا فی السلم کافه» می‌فرماید: «سلم و سلامت همانا ولایت امیرالمومنین است» (بحرانی، ج ۱، ص ۱۲۹). ایشان مراد از شجره مبارکه در «کائها کوب دری یوقد من شجره مبارکه» و نخستین مصداق «و من الناس من یشري نفسه ابتغاء مرضات الله» را علي بن ابی طالب ۷ می‌داند (نک: حسینی، ج ۱، ص ۳۵۹؛ الکوفی، ص ۱۲۴؛ اصفهانی، ص ۲۲۴؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ص ۳۳۹).

گاهی نیز امام ۷، تفسیر خویش را به گفتار رسول خدا ۷ مستند می‌کند تا زمینه بهتری برای پذیرش مخاطب ایجاد کند. به طور مثال زمانی که از ایشان معنای «آن تقول نفس یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله...» را پرسیدند حضرت فرمود: «جنب الله تنها علي بن ابی طالب ۷ است و او حجت خدا بر خلق است. هنگامی که روز قیامت شود، خداوند به نگهبانان جهنم امر می‌کند که کلیدهای آن را به علي ۷ بسپارند. پس هر که را بخواهد داخل [دوزخ] کند و هر که را بخواهد نجات دهد؛ همانا رسول خدا ۹ فرموده است: «ای علي هر کس تو را دوست دارد مرا دوست داشته و هر کس تو را دشمن دارد مرا دشمن داشته است. ای علي تو برادر منی و من برادر تو هستم...» (الکوفی، فرات، ص ۳)

۲-۱- تبیین جایگاه اهل بیت :

محور بعدی تأویلات امام سجاد ۷ را ترسیم جایگاه بی‌مانند اهل بیت : در میان سایر فرزندان آدم ۷ تشکیل می‌دهد. ایشان در تفسیر «اهدنا الصراط المستقیم» می‌فرماید: «ماییم ابواب الاهی و ماییم راه استوار» (مجلسی، ج ۲۴، ص ۱۲). یعنی آن صراط مستقیمی که در هر نماز از خداوند هدایت به سوی آن را طلب می‌کنید پیروی از ماست، بدون آن که یکی بر دیگری رجحانی داشته باشد؛ چرا که ما به منزله درهایی هستیم که از هر یک وارد شوی، به تنها مسیر هدایت منتهی می‌شود. هم‌چنین در بیان معنای «و ألقى فی الارض رواسی أن تمید بکم...» می‌فرماید: «وجود ماست که زمین را از آن که اهلش را بلرزاند نگاه می‌دارد.» (ابن بابویه، کمال، ج ۱، ص ۲۰۷)

امام سجاد ۷ در قالب بیان معنای «فاسألوا اهل الذکر» به طرح و ترسیم یک منشور تربیتی می‌پردازد که همواره نشانگر جایگاه اهل بیت : و وظیفه شیعیان در برابر ایشان است: «بر عهده امامان : چیزی است که بر شیعیان ایشان نیست و بر عهده شیعیان ما چیزی است که بر ما نیست. خداوند عزوجلّ به آنها امر کرده که از ما سوال کنند : «فاسألوا اهل الذکر» پس به آنها امر کرده که از ما بپرسند، ولی بر ما واجب نیست که پاسخ گوئیم؛ اگر بخواهیم پاسخ می‌دهیم و اگر بخواهیم خودداری می‌کنیم.» (کلینی، ج ۱، ص ۱۶۵)

۳-۱- جایگاه تولی و تبری

امام سجاد ۷ در قالب تأویل آیات قرآن، اهمیت دو رکن اساسی دین، یعنی «تولی و تبری» را خاطر نشان می‌کند. از جمله این که در تفسیر فراز پایانی آیه نور «یهدی الله لنوره من یشاء» می‌فرماید: «خداوند آن کس را که دوست می‌دارد، به ولایت ما اهل بیت : رهنمون می‌شود.» (حسینی، ج ۱، ص ۳۶۰) و نیز در آیه «قال و من کفر فأمّته قلیلاً...» هر کس را از امت پیامبر ۹ که وصی او را منکر شود و پیرویش نکند، مشمول معنای آیه می‌داند. (نک: عیاشی، ج ۱، ص ۵۹)

۲. ترسیم محورهای تفکر آخر الزمانی

بخش معنادار دیگری از روایات تأویلی امام سجاد ۷، به ترسیم چشم‌انداز نهایی دنیا اختصاص دارد. می‌توان روایات این بخش را در سه محور دسته‌بندی کرد:

۱-۲. مهدویت و ظهور

موضوع مهدویت و زمینه‌سازی برای درک و پذیرش ظهور، امری است که اهل بیت: همگی به آن پرداخته‌اند. اما راهکار امام سجاد ۷ در مستند ساختن مهدویت به آیات قرآن، از ویژگی‌های ایشان است و صادقین ۸ و ائمه متأخر، این روایات را مکرر از قول ایشان نقل کرده‌اند. از جمله این روایات، تفسیر «فُورَبَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لِحَقٌّ...» است. امام ۷ حقّ قطعی را در این آیه به قیام قائم ۷ تفسیر می‌کند (نک: قمی، ج ۲، ص ۳۳). هم‌چنین در بیان «اینما تکنونوا یأت بکم الله جمیعاً» می‌فرماید: «ایشان اصحاب قائم ۷ هستند.» (طوسی، الغیبه، ص ۳۱۳)

۲-۲. حکومت صالحان

یکی از مهم‌ترین اهرم‌های تربیت انسان‌های صالح، ترسیم چشم‌انداز امید آفرین فرجام کار صالحان در آخرالزمان است. نقش و اهمیت این اهرم تربیتی در دوران سراسر ظلم و خفقان حکومت اموی که به گواهی تاریخ، سیاه‌ترین دوران‌هاست، بیشتر نمایان می‌شود. امام سجاد ۷ که مربی انسان‌هاست در قالب تبیین آیات قرآن به این مهم نیز پرداخته است. از برجسته‌ترین این آیات آیه ۵۵ سوره نور است. امام ۷ ذیل این آیه می‌فرماید: «به خدا سوگند آنها شیعیان ما اهل بیت هستند. این امر به دست مردی از ما برای آنها رخ می‌دهد و او مهدی این امت است و او کسی است که رسول خدا ۹ درباره‌اش فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن را تا جایی طولانی می‌کند که مردی از خاندان من که هم نام من است ظاهر شود و جهان را از عدل و داد پر کند؛ آن‌چنان که از ظلم و جور پر شده است.» (طبرسی، جوامع، ج ۳، صص ۱۱۷-۱۱۸)

۲-۳- رجعت

رجعت یکی از اصول تفکر شیعیان اثنی عشری است که در احادیث فراوانی به آن اشاره شده است. امام سجاد ۷ تأویل رجعت را در کتاب خداوند طرح و بیان فرموده است؛ چنانکه آیه «انّ الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد» در تفسیر امام ۷، در مورد رجعت بیان شده است (نک: قمی، ج ۲، ص ۱۴۷). حضرت در روایت دیگری نیز می‌فرماید: «یعنی پیامبرتان و امیر مومنان و امامان: به سوی شما بازمی‌گردند.» (قمی، ج ۲، ص ۱۴۷؛ مجلسی، ج ۵۳، ص ۴۶)

تعیین مصادیق آیات

یکی دیگر از ویژگی‌های تفسیر امام سجاد ۷ تعیین و ارائه مصادیق آیات است. بیشتر این مصداق‌ها به معرفی اهل بیت، دوستان و دشمنان ایشان اختصاص دارد.

امام سجاد ۷ در تفسیر «اتّما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت...» روایتی از امّ سلمه نقل می‌کند که: «این آیه در خانه من نازل شد... سپس جبرئیل گفت: «ای محمّد بخوان «اتّما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت» این آیه درباره پیامبر ۹، علی، فاطمه، حسن و حسین بود.» (طوسی، الامالی، ص ۳۶۸) به این ترتیب اهل بیت: نه تنها سبب نزول آیه، بلکه مصادیق منحصر به فرد آن هستند.

امام سجاد ۷ در فرصت‌های مناسب به بازگویی روایات معصومان قبل از خود پرداخته و با تکرار آنها بر اهمیت فرمایشات ایشان تأکید می‌کند. از جمله در تفسیر آیه مباحله، روایتی به این مضمون از امام حسن ۷ نقل می‌کند:

«خداوند تعالی هنگامی که منکران کتاب، محمّد ۹ را انکار و با او محاجّه کردند فرمود: «فقلّ تعالوا ندع أبناءنا و

أبناءکم و نساءنا و نساءکم و أنفسنا و أنفسکم...» سپس رسول خدا ۹ از نفس‌ها پدرم، از پسران من و برادرم و از زنان فاطمه مادرم را، از میان همه مردم، همراه خود کرد؛ پس ما خاندان او، گوشتش، خونسش و جانسش هستیم، ما از

اویمیم و او از ماست.» (طوسی، الامالی، ص ۵۶۴)

امام سجاد ۷ در روایت دیگری به نقل از امام حسن ۷ می‌فرماید: «خداوند در کتابی که بر پیامبرش فرو فرستاده، فرموده است: «أَفْمَن كَانَ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِن رَّبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ»، پس رسول خدا کسی است که دلیل آشکاری از پروردگارش دارد و پدرم آن کسی است که تابع و گواه اوست.» (طوسی، الامالی، ص ۵۶۲)

گاهی نیز امام ۷ در قالب تفسیر آیات، مصادیق دوستان و دشمنان اهل بیت : را معرفی کرده‌اند. به عنوان مثال، در تبیین آیه «إِنَّمَا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَ لِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» می‌فرماید: «ایشان اولیاء ما از میان مومنان هستند.» (عیاشی، ج ۲، ص ۱۶۴) به عبارت دیگر امام ۷ کسانی را که پذیرای ولایت اهل بیت : هستند، مصداق آیه فوق و بهره‌مند از رحمت حق می‌داند. هم‌چنین هنگامی که آیه «وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ أُنصَحَ لَكُمْ...» را تفسیر می‌کند، می‌فرماید: «این آیه در مورد پدرش [پدر ابن عباس] است.» (قمی، ۲، ۲۳) و در جایی دیگر در تفسیر «وَمَن كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَ أَضَلُّ سَبِيلًا» او را مصداق آیه می‌داند. (قمی، ۲، ۲۳)

نتیجه

۱. وجود حجم قابل ملاحظه بیان تأویل، در روایات تفسیری امام سجاد ۷، مهم‌ترین ویژگی تفسیر ایشان است که احیاء عقاید شیعی و بازسازی منزلت و جایگاه اهل بیت : و امدار آن است.
۲. بیان مصادیق آیات، راهکار عملی امام سجاد ۷ برای معرفی دوستان و دشمنان اهل بیت : و نشان دادن ویژگی‌های آنان است.

فهرست منابع

قرآن كريم

نهج البلاغه

- . ابن ابي الحديد، عزّالدين. شرح نهج البلاغه. تصحيح: محمد ابوالفضل ابراهيم. دار الاحياء الكتب العربيه، بيروت: ١٣٧٨ق.
- . ابن اثير، عزّالدين. الكامل في التاريخ. دار صادر. بيروت: ١٣٨٥ق.
- . ابن بابويه، محمد بن علي (صدوق). الخصال. منشورات الاسلاميه. قم: ١٣٦٢ ش.
- . _____ كمال الدين و تمام النعمه. موسسه النشر الاسلامي. قم: ١٤٠٥ق.
- . ابو ريه، محمود. أضواء علي السنه المحمديه. موسسه منشورات الاعلمي للمطبوعات، بيروت : بي تا.
- . اصفهاني، عمادالدين حسين (عمادزاده). زندگاني چهارده معصوم .: مكتب قرآن، تهران : ١٣٤٨.
- . اصفهاني، احمد بن موسي (ابن مردويه). مناقب علي بن ابي طالب ٧ و ما نزل في القرآن في علي ٧. دار الحديث، قم : ١٤٢٢ق.
- . بحراني، سيد هاشم. البرهان في تفسير القرآن. بنياد بعثت، تهران: ١٤١٦.
- . حسيني، شرف الدين علي. تأويل آيات الظاهره في فضائل العتره الطاهره. مدرسه الامام الموسوي، قم: ١٤٠٧ق.
- . الدمشقي، اسماعيل بن كثير (ابن كثير). البدايه و النهايه. دار احياء التراث العربي، بيروت: ١٤٠٨ق.
- . سيوطي، جلال الدين. تاريخ الخلفاء. بي نا، بي جا، بي تا.
- . شريف قرشي، باقر. حياة الامام زين العابدين ٧. دار الاضواء، بيروت: ١٤٠٩ق.
- . طبرسي، فضل بن حسن. جوامع الجامع. انتشارات دانشگاه تهران، تهران: ١٣٧٧ش.
- . طبري، محمد بن جرير. تاريخ الطبري. بريل، ليدن: ١٨٧٩م.
- . طوسي، محمد بن حسن. الامالي. دار الثقافه، قم: ١٤١٤ق.

- . _____ الفهرست. نشر الفقاهه، بي جا. ١٤١٧ق.
- . _____ الغيبه. موسسه المعارف الاسلاميه، قم: ١٤١١ق.
- . _____ اختيار معرفة الرجال (رجال كشي)،. موسسه آل البيت، قم: ١٤٠٤ق.
- . عياشي، محمّدين مسعود. كتاب التفسير. انتشارات علميه، تهران: ١٣٨٠ق.
- . القمي، علي بن ابراهيم. تفسير القمي. دار الكتاب، قم: ١٣٦٧ش.
- . الكليني، محمّدين يعقوب. الكافي. دار الكتب الاسلاميه، تهران: ١٣٦٣.
- . الكوفي، فرات بن ابراهيم. تفسير الفرات. سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامي، تهران : ١٤١٠ق.
- . الكوفي، محمّدين سليمان. مناقب الامام أمير المؤمنين علي بن ابي طالب ٧. مجمع احياء الثقافه الاسلاميه، قم: ١٤١٢ق.
- . مازندراني، محمّدين علي (ابن شهر آشوب)، مناقب آل ابي طالب. مطبعه الحيدريه نجف، ١٣٧٦ق.
- . _____ معالم العلماء. مطبعه الحيدريه، نجف: ١٣٨٠ق.
- . مجلسي، محمّدباقر. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الانمه الاطهار. موسسه الوفاء، بيروت : ١٤٠٣ق.
- . مسعودي، ابوالحسن. مروج الذهب و معادن الجوهر. دار المعرفه، بيروت: ١٣٦٨.